

تحلیل محتوای کتاب های فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی براساس مؤلفه های هوش های چندگانه گاردنر

شیما سیمایی

دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، کردستان، ایران (نویسنده مسئول)،
shimasimaei5@gmail.com

سهیلا خورده بینان

عضو هیأت علمی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، کردستان، ایران

چکیده

هدف این پژوهش تحلیل محتوای کتاب های فارسی و نگارش پایه ششم دوره ابتدایی براساس مؤلفه های هوش های چندگانه گاردنر می باشد. در این پژوهش از روش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه فعالیت های دو کتاب فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی سال تحصیلی **98-1397** می باشد. در این پژوهش نمونه گیری به عمل نیامده و کلیه فعالیت ها مورد تحلیل قرار گرفته است لذا نمونه آماری برابر جامعه آماری می باشد. به منظور جمع آوری اطلاعات از فرم های تحلیل محتوا که بر اساس نظریه گاردنر در زمینه هوش های چندگانه طراحی شده، استفاده گردید. یافته های پژوهش نشان می دهد که در کتاب فارسی هوش زبانی- کلامی با **43/20** درصد از بیشترین میزان توجه برخوردار است و میزان توجه به هوش های دیگر به ترتیب **27/18** درصد کل موارد شمارش شده به هوش منطقی- ریاضی، **14/07** درصد به هوش درون فردی، **5/82** درصد به هوش موسیقایی، **3/88** درصد به هوش میان فردی، **2/42** درصد به هوش هستی گرایانه، **1/94** درصد به هوش تصویری- فضایی، **1/45** درصد آنها به هوش جنبشی- بدنی اختصاص داده شده و به هوش طبیعت گرایانه اصلاً توجه نشده است. در کتاب نگارش پایه ششم هوش زبانی- کلامی با **55/18** درصد بیش از نیمی از هوش های شمارش شده را به خود اختصاص داده است. میزان توجه به بقیه هوش های چندگانه گاردنر در فعالیت های این کتاب به ترتیب به هوش های منطقی- ریاضی **15/56** درصد، درون فردی **14/62** درصد، تصویری- فضایی **5/18** درصد، جنبشی- بدنی **3/77** درصد، طبیعت گرایانه **3/30** درصد، میان فردی **1/41** درصد و میزان توجه به هوش هستی گرایانه **0/94** درصد می باشد. در کتاب نگارش به هوش موسیقایی هیچ توجهی نشده است. بدین ترتیب نتایج تحلیل حاکی از آن است که به هوش های چندگانه گاردنر در فعالیت های هر دو کتاب فارسی و نگارش به صورت متوازن توجه نشده و به یک نسبت به کلیه هوش ها پرداخته نشده است.

کلید واژه: تحلیل محتوا، هوش های چندگانه، کتاب فارسی، دوره ابتدایی

مقدمه

در عصر حاضر مبحث تفاوت های فردی دانش آموزان از نظر ویژگی های شناختی، هیجانی و دیگر ویژگی های شخصیتی همواره برای معلمان مسئله ای جدی بوده و به همین دلیل سنجش هوش و استعداد از دیرباز مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است (اهرمی و همکاران، 1391). فرانسس گالتون (1883) از نخستین کسانی است که با روش علمی به مطالعه تفاوت های فردی پرداخت و روش های آماری مانند همبستگی

را در سنجش ویژگی های روانی به کار بست. جیمز مک کین کتل نیز مانند گالتون به اندازه گیری تفاوت های فردی پرداخت و برای نخستین بار اصطلاح آزمون های روانی را در سال 1890 به کار بست (شریفی، 1382). متخصصان راهبردهایی به منظور رویارویی با این تفاوت ها ارائه نموده اند که از این میان عملی ترین راهبرد طراحی و برنامه ریزی آموزش و یادگیری براساس این تفاوت هاست تا بهترین نتیجه حاصل گردد. در قرن حاضر دو نظریه مهم به منظور توضیح تفاوت های فردی بوجود آمده که محیط های یادگیری را براساس این تفاوت ها دسته بندی می کنند. اولین نظریه سبک های یادگیری است و دومین هوش های چندگانه است. هوش intelligence از جمله مفاهیمی است که همواره مورد توجه متخصصان آموزشی، روانشناسان و دیگر صاحب نظران تربیتی بوده و از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است (دیکینسون، 2001). تعریف هوش مانند بسیاری از کشفیات و نظرات علمی در طول تاریخ دستخوش تغییرات بسیاری شده است. صاحب نظران مختلف هوش را "توانایی درک و فهم امور"، "توانایی حل مشکلات"، "استعداد یادگیری"، "علت پیشرفت افراد و شکست بعضی دیگر"، "توانایی سازگاری با موقعیت های دشوار" و مانند اینها تعریف کرده اند. به رغم این توصیف های کلی، روانشناسان و پژوهشگران کوشیده اند تا تعریف های دقیق تری از هوش به دست دهند که به مواردی از آن در ادامه اشاره می گردد (سیف، 1389).

دیوید وکسلر (1958) تعریف هوش را چنین بیان کرد که هوش یک توانایی کلی است که فرد را قادر می سازد تا به طور منطقی بیندیشد و این نظریه او به نظریه هوش یک عاملی معروف شد. بینه و سیمون (1905) درست قضاوت کردن، درست درک کردن و درست استدلال کردن را فعالیت های بنیادی هوش می دانستند. پیاز هوش را توانایی سازگاری با محیط تعریف کرد و در تعریف دیگر معتقد است که هوش شکلی از تعادل است که به سوی سازگاری موفقیت آمیز و تغییرات بین ارگانیسم و محیطش هدایت می شود. لوئیس ترمن (1916) هوش را ظرفیت فرد در تفکر انتزاعی تعریف کرد. به نظر گالتون هوش عبارت است از یک سلسله مهارت های حرکتی و ادراکی استثنایی که نسل به نسل منتقل می شود و از آنجا که تمام اطلاعات از طریق حواس کسب می شوند، بنابراین، هر قدر دستگاه ادراکی فرد حساس تر و دقیق تر باشد به همان نسبت از هوش بیشتری برخوردار است. او لقب باهوش را به افرادی اطلاق می کرد که تیزی در حواس دارند. به عقیده گیلفورد می توان هوش را در هر سنی توسعه داد ولی باید در نظر گرفت که هوش توانایی چندگانه و گسسته است. لوئیس ترستون در سال 1938 نظریه متفاوتی را مطرح کرد و برای هوش، هفت عامل شامل توانایی کلامی، سیالی کلامی، توانایی عددی، توانایی فضایی، توانایی ادراکی، استدلال استقرایی و حافظه را پیشنهاد کرد (شریفی، 1384). رابرت استرنبرگ (1985) هوش را مجموعه ای از فرآیندهای ذهنی مجزای پردازش اطلاعات دانسته است که از طریق تمرین و ممارست قابل یادگیری و افزایش بخشیدن است. اصطلاح هوش اولین بار در سال 1990 توسط روانشناسی به نام سالووی برای بیان کیفیت و درک احساسات افراد، همدردی با احساسات دیگران و توانایی اداره مطلوب خلق و خو به کار برده شد. تعریف هوش، از نظر گاردنر (1990)، که مبنای به رسمیت شناختن اشکال گوناگون هوش می باشد عبارت است از "قابلیت حل مسأله یا تولید (خلق) یک محصول، ساخت چیزی که دست کم در یک فرهنگ ارزشمند تلقی می شود" (مهرمحمدی، 1384).

حاصل تمامی این دیدگاه ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد: دیدگاه اول هوش را یک توانایی کلی می داند. این در حالی است که دیدگاه دوم هوش را توانایی یا ظرفیتی می داند که از عناصر و مؤلفه هایی گوناگونی تشکیل یافته است (مایرو و پانتر و کاریوسو، 2017، فیست و روزنبرگ، 2009). یکی از نظریه هایی که همخوان با تعدد و تنوع ابعاد وجودی انسان تلاش می کند تصویری جامع تر و واقع بینانه تر از قابلیت ها و توانمندی های انسان ارائه کند، نظریه هوش چندگانه است که در سال 1983 توسط هوارد گاردنر مطرح شد. وی هوش را نه یک استعداد بلکه مجموعه ای از استعدادها در نظر می گیرد که هر فردی ضمن دارا بودن توانایی های نسبی در تمامی مؤلفه ها در یکی از آنها زبده تر است. بدین ترتیب دیدگاه سنتی را مردود شمرده و بر تغییر رویکرد و نوع نگاه برنامه ریزان و کارگزاران آموزشی نسبت به مقوله هوش تأکید می کند چرا که دیدگاه سنتی در اکثر نظام های آموزش و پرورش بر یک یا دو جنبه خاص از هوش که عمدتاً

ناظر بر ابعاد کلامی و منطقی- ریاضی است، تأکید صرف و انحصاری به عمل می آورند و رشد و پرورش آنها را در دستور کار نظام آموزشی قرار می دهند (امینی، تمنایی فر و امینی، 1388). نظریه هوش های چندگانه کارکرد مهمی برای تعلیم و تربیت دارد (آمسترانگ، 2007 و رکسانا، 2014). بنابه گفته گاردنر هدف از آشنایی و فراگیری هوش های چندگانه آن است که به تفاوت های موجود در میان افراد، احترام گذاشته شود (سلطانی و همکاران، 1397). وی در آغاز به هفت نوع هوش کلامی- زبانی ، منطقی- ریاضی ، تصویری- فضایی ، بدنی- جنبشی ، موسیقایی بین فردی و درون فردی اشاره کرد. گاردنر بعدها در خلال مطالعاتش دو هوش دیگر تحت عنوان هوش طبیعت گرایانه و هستی گرایانه را نیز به این لیست اضافه کرد (اسدیان، 1397). او با ابراز تردید در وجود یک مفهوم کلی و یکپارچه برای هوش به وجود این نوع هوش ها که وابستگی ناچیزی با یکدیگر دارند، اشاره می کند (امیرتیموری، 1382). گاردنر این هوش ها را از نظر میزان اهمیت یکسان در نظر گرفته و حتی سلسله مراتب خاصی را در بین این عوامل مطرح نمی کند (مهرمحمدی، 1392). نظریه گاردنر الزاماً به این چند هوش یا توانایی منحصر نمی شود. او معتقد است که احتمالاً بیش از این هوش ها هم وجود دارد. به نظر گاردنر هوش چندگانه هم دارای پایه های زیستی و هم پایه های فرهنگی است (شریفی، 1384). هم گاردنر و هم استرنبرگ معتقدند که هوش در فرهنگ های مختلف به صورت متفاوت ظاهر می شود (سیف، 1389). در هر فرهنگی هوش های مورد تأیید ابتدا توسط والدین و بعدها از طریق مدارس مورد حمایت و توسعه بیشتر قرار می گیرند. برعکس، هوش هایی که مورد بی اعتنایی آن فرهنگ اند و چه بسا مورد تنبیه قرار می گیرند، در کودکان توسعه نیافته باقی می ماند و هر چند که یک کودک در آن نوع هوش با استعداد هم باشد، در بزرگسالی وی چندان نمود پیدا نمی کند (امیرتیموری، 1382). گاردنر هوش های چندگانه را اینگونه تعریف نموده است:

هوش کلامی- زبانی (Verbal-Linguistic intelligence): هوش کلامی- زبانی عبارت است از توانایی کاربرد مؤثر زبان مادری و احتمالاً سایر زبان ها به صورت شفاهی (سخن گوئی) یا مکتوب (نوشتاری). به عبارت دیگر، توانایی بیان آن چه در ذهن داریم و نیز درک گفته های سایرین را هوش کلامی گویند. نویسندگان، شعرا، سخنرانان، واعظان، ناطقان، وکلای دادگستری و خلاصه هر آن کس را که زبان برای او یک ابزار حرفه ای به شمار می آید، می توان دارای هوش کلامی بارز دانست. کسانی که می توانند به سرعت کتاب بخوانند یا با مطالعه کتاب های درسی مطالب را به راحتی و به سرعت درمی یابند، کسانی که توانایی نگارش مقاله یا رساله های تحصیلی را دارند و می توانند گزارش های شفاهی قابل فهم و جذابی ارائه دهند، دارای هوش کلامی برجسته هستند. کلمات برای ایشان جذاب اند؛ چه بنویسند، چه بخوانند، چه بشنوند و چه بگویند. کلمات و زبان عشق و زندگی اینگونه افراد است.

هوش منطقی- ریاضی (Logical-Mathematical intelligence): این هوش مبتنی بر توانایی دست ورزی اعداد با درک نظام های منطقی است. افراد سرآمد در هوش منطقی- ریاضی می توانند با اعداد و مقادیر به شیوه ریاضیدانان عمل کنند یا همانند دانشمندان و منطقین، اصول اساسی نظام های علی را دریابند. آنها به خوبی از عهده مناظره های تحلیلی، ارائه استدلال های قانع کننده و حل مسائل ریاضی برمی آیند و نظم و منطق برایشان مهم است. این افراد مفهومی و تجربیدی می اندیشند و می توانند به اکتشاف الگوها و رابطه ها بپردازند.

هوش تصویری- فضایی (Spatial-Visual intelligence): این توانایی، بیانگر قدرت بازنمایی فضای بیرون از ذهن در درون ذهن و توانایی تفکر در قالب شکل ها و الگوهاست. خلبانی که هواپیمای خود را در فضای فاقد هرگونه نشانه و علامت، صرفاً با استفاده از نقشه و تجسم ذهنی هدایت می کند یا ناخدایی که کشتی خود را به همین ترتیب در دریا به سوی مقصد پیش می راند، عمدتاً از هوش فضایی خود بهره می گیرند. هوش فضایی را می توان در هنرها یا علوم به کار گرفت. افراد برخوردار از هوش تصویری- فضایی به محیط خود بسیار حساس و از آن آگاه هستند، دوست دارند نقاشی کنند و نقشه ها را به خوبی می فهمند.

هوش بدنی- جنبشی (Bodily-Kinesthetic intelligence): این هوش به توانایی بهره‌گیری از کل یا بخش‌هایی از بدن، دست‌ها، پاها، انگشتان، چهره و ... برای حل مسائل، درست کردن چیزی یا شکل‌دهی به کالا و تجسم حالتی اشاره دارد. توانایی بارز در این نوع هوش، کنترل یا تنظیم بدن در حین حرکات سریع بدن است. داشتن حس تعادل و هماهنگی دست و چشم فوق العاده از ویژگی‌های مهم افراد دارای این نوع هوش می‌باشد. برجسته‌ترین نمونه افراد هوشمند از این نوع، ورزشکاران و افراد شاغل در هنرهای نمایشی از جمله هنرپیشگان و اجرا کنندگان پانتومیم‌ها هستند. این افراد از طریق زبان بدن به خوبی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. قدرت دست‌ورزی ماهرانه اشیاء نظیر استفاده از ابزارها، رانندگی کردن، جراحی کردن و تولید صنایع دستی از توانمندی‌های افراد برخوردار از این هوش است.

هوش موسیقایی (Musical intelligence): ظرفیت تفکر در حیطه موسیقی، نظیر حساسیت نسبت به صداها و ضرب آهنگ‌های محیط زندگی، درک و به خاطر سپردن الگوهای موسیقایی، تشخیص دادن و متمایز کردن اصوات و ساختن موسیقی است. افرادی که هوش سرشار موسیقایی دارند، صرفاً قطعات آهنگین را به خاطر نمی‌سپارند. در واقع، این قطعات به قدری ذهن آنها را به خود مشغول می‌کند که نمی‌توانند به سادگی آنها را از ذهن خارج سازند. قدرت تحلیل، اجرا و ساخت موسیقی، قدرت درک ریتم و ملودی از توانمندی‌های این افراد است. آنها شاید نوازندگان ماهری نشوند ولی به شکلی با موسیقی عجین هستند. کسب مهارت در نوازندگی علاوه بر هوش موسیقایی به هوش جنبشی نیز نیازمند است.

هوش درون فردی (ادراک درونی) (Intrapersonal intelligence): این توانایی به داشتن درکی مناسب از خود اشاره دارد؛ دانستن اینکه چه هستند، چه کارهایی می‌توانند انجام دهند، چگونه نسبت به محیط خود واکنش نشان می‌دهند، از چه چیزهایی دوری می‌کنند و به چه چیزهایی گرایش نشان می‌دهند، به چه هدف‌هایی تمایل دارند و چه چیزهایی رفتار آنها را بر می‌انگیزد. داشتن بصیرت نسبت به احساسات خود در همان لحظه‌ای که روی می‌دهد. خودآگاهی لحظه‌ای، توانایی کنترل احساسات خود در زمان و مکان، خود نظم دهی، توان آرامش بخشی خود در موقعیت‌های استرس‌زا برای تصمیم‌گیری عاقلانه نیز از ویژگی‌های این هوش است. ما اغلب جذب افرادی که درک خوبی از خویش‌شان دارند می‌شویم؛ زیرا احساس می‌کنیم که این افراد خودشان هستند و به چیزی یا کسی بودن یا نبودن تظاهر نمی‌کنند. آنها می‌دانند که از عهده چه کارهایی برمی‌آیند یا چه کارهایی را نمی‌توانند انجام دهند. آنها شناخت دقیقی از خود دارند، به خوبی می‌توانند با خود ارتباط برقرار کنند و اغلب می‌دانند که در صورت نیاز باید به کجا مراجعه کنند.

هوش بین فردی (درک اجتماعی) (Interpersonal intelligence): توانایی درک، برقراری ارتباط و تعامل با سایر افراد و گروه‌ها را هوش بین فردی گویند. علاقه به کارهای گروهی و لذت بردن از کنار دیگران بودن از ویژگی‌های افراد دارای این نوع هوش است. جمع‌گرایی توانایی اصلی آنهاست. این هوش مورد نیاز تمام افراد است اما خصوصاً کسانی نظیر معلمان، پزشکان، مدیران، فروشندگان، سیاستمداران و تمامی اشخاصی که به نوعی با دیگران سروکار دارند، باید از این هوش به قدر کافی برخوردار باشند. فرد دارای هوش بین فردی در موقعیت‌های اجتماعی رفتاری صحیح از خود نشان می‌دهد؛ زیرا قادر به درک احساسات و نیازهای سایر افراد و پیش‌بینی رفتارهایشان است. معمولاً حدس اینگونه افراد در مورد اینکه دیگران تا چه میزان در گفتار و رفتارشان صادق هستند، به حقیقت نزدیک‌تر است. تخصص ایشان درک رفتارها و احساسات افراد دیگر است. به اعتقاد گاردنر، هوش بین فردی در زندگی اجتماعی واجد اهمیت بسیار است و لازم است مدارس در زمینه پرورش آن اقدامات لازم را به عمل آورند. کسانی که در این مورد به خوبی پرورش نیافته‌اند، ممکن است حتی در انتخاب همسر و شغل و اداره زندگی خانوادگی و حرفه‌ای با مشکلاتی روبه‌رو شوند.

اخیراً در مجامع روانشناسی موضوع "هوش هیجانی" یا "عاطفی" مورد توجه قرار گرفته است که می‌توان آن را در برگیرنده دو هوش بین فردی و درون فردی مطرح شده از سوی گاردنر دانست. برخی از

افراد از نظر هوش هیجانی باهوش هستند و برخی مبتلا به "کوری هیجانی" هستند؛ یعنی ارزیابی هیجانی و تسلط بر خویش را از دست می‌دهند. به گفته‌ی گلن "شواهد بسیاری ثابت می‌کنند افرادی که مهارت هیجانی دارند، در هر حیطه‌ای از زندگی ممتاز هستند و افرادی که نمی‌توانند بر زندگی عاطفی خود تسلط داشته باشند، درگیر کشمکش‌های درونی ای هستند که از توانایی آنان برای انجام کار متمرکز و تفکر روشن می‌کاهد".

هوش طبیعت‌گرایانه (Naturalistic intelligence): هوش طبیعت‌گرایانه بیانگر توانایی در تشخیص و تمایز انواع گوناگون پدیده‌های طبیعی نظیر گیاهان، جانوران، سنگ‌ها، ابرها، صخره‌ها و ... و امکان تشخیص الگوهای طبیعی و دسته‌بندی آنهاست. توانایی ادراک تنوعات موجود در دنیای طبیعی، احساس نزدیکی به آنها و قدرت بهره‌گیری از آن ادراکات از دیگر مشخصه‌های این هوش است. هوش طبیعت‌گرایانه خصوصاً از لحاظ گذشته تکاملی انسان به عنوان موجودی شکارچی، گردآور غذا و کشاورز واجد اهمیت بسیار است و هنوز نیز در حرفه‌هایی نظیر گیاه شناسی و آشپزی اهمیت فراوان دارد. به اعتقاد گاردنر، در زندگی امروز نیز مثلاً در زمینه شناسایی و تمایز کردن اشیاء و الگوها اتکای زیادی به این هوش وجود دارد؛ مثلاً توانایی تشخیص و تمایز قائل شدن بین مصنوعات فرهنگی نظیر اتومبیل‌ها، کفش‌ها، پارچه‌ها و از این قبیل را نیز می‌توان مربوط به این هوش دانست. به نظر می‌رسد در برخی فرهنگ‌ها مثلاً فرهنگ آفریقایی در مقایسه با فرهنگ آمریکای شمالی یا فرهنگ روستایی در مقایسه با فرهنگ شهری این هوش مورد تشویق و حمایت بیشتری قرار می‌گیرد. همه ما در اطراف خود افرادی را سراغ داریم که با انواع گیاهان وحشی و خواص آنها آشنایی دارند یا با کودکان سه - چهار ساله برخورد کرده‌ایم که انواع دایناسورها را بهتر از ما می‌شناسد.

هوش وجودگرایانه یا هستی‌گرایانه (Existential intelligence): گاردنر بر اساس تحقیقات بعدی خود از احتمال حضور هوش جدیدی در مجموعه هوش‌های چندگانه خبر می‌دهد. این هوش بیانگر تمایل انسان به طرح و جستجوی پاسخ برای پرسش‌های بنیادی درباره وجود و هستی است. اینکه ما که هستیم؟ از کجا آمده‌ایم و به کجا رهسپاریم؟ هدف از هستی چیست و چرا می‌میریم؟ از مظاهر این هوش است (شر، ۱۹۹۹). مثلاً کودکان درباره این مسائل فکر می‌کنند و همین پرسش‌ها پایه بسیاری از مذاهب، علوم، هنرها و فلسفه‌های ما بوده است. این هوش انسان را قادر به شناخت و درک جهان خارج نامرئی می‌سازد. مفهوم حیات سرنوشتی است که نخبگان این نوع هوش در پی کشف آن هستند (امیرتیموری، ۱۳۸۲، رحیمی و فضیلتی، ۱۳۹۵).

تعلیم و تربیت هر کشور نقشی بسیار اساسی در پرورش هوش‌های چندگانه افراد دارد. اگرچه عوامل گوناگونی نظیر سلامت جسمی و روانی، انگیزش و پشتکار در یادگیری مؤثرند اما تجربه‌های متعدد بیانگر این نکته اند که افراد هوشمند با فراهم بودن سایر عوامل، مطالب را نسبت به دیگران بهتر، بیشتر و زودتر می‌آموزند، آموخته‌های خود را کامل‌تر به خاطر می‌سپارند، آنها را آسان‌تر به یاد می‌آورند و دیرتر از یاد می‌برند و توانایی‌شان برای یادگیری مطالب پیچیده‌تر نیز بیشتر است (امیرتیموری، ۱۳۸۲). بنابراین، نظام‌های آموزشی موظفند، ضمن طرح کردن تصویری وسیع، پر بار و دقیق از آینده برای تقویت مهارت مطرح در هر کدام از هوش‌ها برنامه ریزی کنند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۷). با شناسایی این هوش‌ها می‌توان سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان را مشخص و بازدهی آموزش را در مقاطع مختلف افزایش داد (مهرمحمدی، ۱۳۹۲). با توجه کردن به سرمایه‌گذاری بر هوش‌های چندگانه دانش‌آموزان می‌توان مشکلات یادگیری آنان را به موقع شناسایی و شیوه مداخله به هنگام را در دسترس مربیان قرار داد (ارکان و برکو، ۲۰۱۳ نقل از رحیمی و فضیلتی، ۱۳۹۵). این مسئله برای کودکان کم سن‌تر درخور توجه است. گاردنر موفقیت در انجام امور را به استفاده ترکیبی از هوش‌های متفاوت، معطوف می‌داند (غلامیان و همکاران، ۲۰۱۸).

آموزش و پرورش به عنوان دستگاه کلیدی عهده دار امر رشد و اعتلای یادگیرندگان در برگیرنده عوامل، عناصر و مؤلفه هایی است که موفقیت نظام آموزشی نیز در دل پویایی این عناصر است. کتاب درسی است. کتاب درسی مؤلفه اصلی تدریس و وسیله اصلی تعلیم و تربیت بوده که معلمان و دانش آموزان در فعالیت های یاددهی- یادگیری به آن متکی هستند (غلامیان و همکاران، 1397). در واقع کتاب درسی از مهم ترین منابع یادگیری و مهم ترین و پرکاربردترین رسانه آموزشی در ایران است. این رسانه با اهمیت دربردارنده بخش های نوشتاری، تصاویر و تمرین هایی می باشد که در راستای تحقق اهداف کتاب انتخاب و سازماندهی می شوند (نوریان، 1386). یکی از راه های توجه و پرورش انواع هوش در کودکان تدوین کتب درسی مناسب و بکار بردن روش های آموزشی مناسب است. از طرفی کتاب درسی فارسی و نگارش از مهم ترین کتب درسی اند که قابلیت رشد و پرورش هوش چندگانه را در یادگیرندگان دارد. مؤلفین این کتب باید به تفاوت های فردی و انواع هوش با استفاده از روش های خلاق توجه کنند. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف "تحلیل محتوای کتاب های فارسی و نگارش پایه ششم دوره ابتدایی براساس مؤلفه های هوش های چندگانه گاردنر" به منظور پاسخگویی به این پرسش است که "میزان توجه کتاب های فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی به مؤلفه های هوش های چندگانه چگونه است؟"، انجام شده است.

پیشینه پژوهش

در زمینه تحلیل محتوای کتب درسی دوره ها و پایه های مختلف تحصیلی بر مبنای مؤلفه های هوش های چندگانه گاردنر پژوهش های متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که به منظور بررسی پیشینه پژوهش، تعدادی از مواردی که در این زمینه انجام شده، مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آنها بدین شرح است:

لیما باتلوه (2003) در پژوهشی برای شناسایی هوش های غالب در کتب درسی، شش کتاب را مورد بررسی قرار داده است. نتیجه حاصل نشان داده که هوش های کلامی، درون فردی، بین فردی و فضایی هوش های غالب در تمرینات این کتاب ها بودند. همچنین هوش زبانی- کلامی و هوش درون فردی در 100 درصد تمرینات وجود داشته و هوش فضایی در ۹۰ درصد و هوش بین فردی در ۷۶ درصد تمرینات وجود داشته اند.

آلمیدا و همکاران (2010) در تحقیقی برای ارزیابی هوش به وسیله نظریه هوش های چندگانه گاردنر، تأثیر آزمون های هوش سنتی و هوش چندگانه بر مؤلفه های عملکرد شناختی را مورد بررسی قرار داده اند. بدین ترتیب توانایی کلی و استعداد های متفاوت (استدلال حافظه، هوش کلامی، هوش عددی و هوش فضایی) و مجموعه ای از هوش های چندگانه گاردنر (هوش های زبانی، منطقی، تصویری - فضایی، بدنی- جنبشی، طبیعت گرا و موسیقایی) در کودکان بین ۵ تا ۷ سال را ارزیابی کردند. تجزیه و تحلیل فاکتور های تقویتی بر عدم وجود یک فاکتور عمومی مشترک در دو هوش دلالت می کرد. در عوض، از آزمون های انجام شده نتیجه گرفته شده است که دو فاکتور عمومی آنها را در بر گرفته است. همچنین این دو فاکتور عمومی در هوش چندگانه و سنتی به طور مشابه مورد بررسی قرار گرفته و همبستگی متوسط آماری میان آنها نشان داده شده است. این نتایج موقعیت نظریه گاردنر را درباره ی فاکتور عمومی هوش به چالش کشید، به ویژه بیشتر زمانی که اندازگیری بعد شناختی مورد توجه بود، با آزمون سنتی هوش همخوانی نداشت.

نتایج پژوهش رزمجو و همکاران (2010) در زمینه تحلیل محتوای کتاب های تاپ ناچ نشان داده است که این کتاب ها در مهیا کردن هوش کلامی غنی بوده، هوش تصویری، منطقی، موسیقایی، درون فردی، بدنی و میان فردی را نیز در نظر گرفته اند. اما در زمینه بازنمایی هوش طبیعت گرا و معنوی ضعیف بوده اند. این مطالعه همچنین بیانگر آن است که این کتاب ها الگوی تبادل میان هوش های مختلف را دنبال می کنند تا مخاطبان بر حسب مؤلفه های تنوعی هوش های چندگانه را آموزش دهند.

نتایج پژوهش بابایی و عیدی (1392) تحت عنوان "تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی، علوم تجربی و تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی براساس نظریه هوش های چندگانه گاردنر" حاکی از آن است که متداول ترین هوش در کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم هوش زبانی- کلامی با $43/5$ درصد بوده است و پس از آن به ترتیب به هوش فضایی با $25/54$ درصد، هوش میان فردی با $11/02$ درصد و هوش درون فردی با $10/10$ درصد پرداخته شده است. در این کتاب کمترین میزان توجه به هوش موسیقایی با $0/53$ درصد، هوش حرکتی- جنبشی با $2/64$ درصد، هوش طبیعت گرایانه با $2/90$ درصد و هوش ریاضی- منطقی با $3/67$ درصد است. در کتاب علوم تجربی بیشترین میزان توجه به هوش زبانی- کلامی با $38/45$ درصد، هوش فضایی با $33/81$ درصد و هوش ریاضی- منطقی با $13/81$ درصد می باشد و هوش های درون فردی با $6/74$ درصد، حرکتی- جنبشی با $2/98$ درصد، هوش های میان فردی و طبیعت گرایانه هر کدام با $2/90$ درصد از کمترین میزان توجه برخوردارند و اصلاً به هوش موسیقایی توجه نشده است. در مورد کتاب تفکر و پژوهش متداول ترین هوش، هوش ریاضی- منطقی می باشد. به هوش زبانی- کلامی، درون فردی، میان فردی و فضایی به میزان قابل توجهی پرداخته شده است. به هوش حرکتی- جنبشی و موسیقایی بسیار کم توجه شده است و به هوش طبیعت گرایانه توجهی نشده است.

رضوانی و امیری (1392) در پژوهشی با عنوان "تحلیل محتوای کتب آموزش زبان انگلیسی منتخب دانشگاهی از نظر میزان توجه به هوش های چندگانه" به این نتایج دست یافته اند که مؤلفین انتشارات سمت هیچگونه توجهی به تنوع و چندگانگی در هوش یادگیرندگان نداشته اند. علی رغم اینکه کتاب ها برای فراگیران در رشته های تحصیلی متفاوت بوده است همه آنها به هوش زبانی- کلامی، منطقی- ریاضی و درون فردی اکتفا نموده اند. تنها $0/1$ درصد از تمرین های این کتاب ها شامل هوش فضایی- تصویری بودند و 99 درصد تمرینات هوش زبانی- کلامی، منطقی- ریاضی و درون فردی را دربرگرفته اند.

شریفی، فرامرزی و آقابابایی (1393) در پژوهش خود با عنوان "بررسی مؤلفه های هوش چندگانه گاردنر در کتاب های درسی دوره پیش حرفه ای دانش آموزان کم توان ذهنی" بیان داشته اند که میزان توجه به آموزش هوش های چندگانه گاردنر در کتاب های متفاوت دوره پیش حرفه ای از روند نظام داری برخوردار نمی باشد.

سلطانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "تحلیل محتوای کتاب های درسی فارسی دوره ی ابتدایی بر اساس مؤلفه های هوش های چندگانه گاردنر: روش آنتروپی شانون"، به این نتایج دست یافتند که در کتاب های فارسی، ضریب اهمیت هوش زبانی- کلامی و طبیعت گرایانه ($0/115$)، هوش تصویری- فضایی، ریاضی- منطقی، جنبشی- بدنی، درون فردی، میان فردی و هستی گرایانه ($0/111$) و هوش موسیقایی ($0/103$) است. به عبارتی، هر یک از مؤلفه های هوش های چندگانه در کتاب های درسی فارسی به صورت متوازن مورد توجه قرار نگرفته و کتاب های درسی فارسی به یک نسبت، مؤلفه های هوش های چندگانه را پوشش نداده اند.

نتایج پژوهش غلامیان و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان "تحلیل محتوای کتب ریاضی، فارسی و علوم دوره ابتدایی بر مبنای هوش های چندگانه گاردنر" حاکی از آن است که در مجموعه ۱۸ کتاب درسی بررسی شده هوش منطقی- ریاضی با $17/9$ درصد بیشترین و هوش میان فردی با $5/1$ درصد کمترین مقدار را به خود اختصاص داده اند. پایه چهارم با $20/7$ درصد و پایه پنجم با ۱۳ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین میزان پرداختن به انواع هوش را داشته اند. بدین ترتیب مشخص شده است تناسب و توازن بین انواع مختلف هوش و تدارک فعالیت های مناسب برای پرورش آنها تا حدی رعایت شده و در سایر موارد شاهد نابرابری هستیم.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتواست. که براساس هوش های چندگانه گاردنر انجام شده و با استفاده از تحلیل کمی محتوا به توصیف و بیان وضعیت آشکار آن پرداخته شده است. جامعه

آماري اين پژوهش، كتاب فارسي و نگارش پايه ششم ابتدائي سال تحصيلي 98-1397 است كه توسط دفتر تآليف كتاب هاي درسي سازمان پژوهش و برنامه ريزي آموزشي، تآليف و چاپ گرديده است. در اين پژوهش حجم نمونه و جامعه آماري يكسان است و با روش تمام شماري، محتوای کلیه فعالیت های این دو کتاب که مربوط به درس فارسي دانش آموزان می باشد مورد بررسی و تحليل قرار گرفته است. ابزار پژوهش برای تحليل محتوا چك لیست و ارسى است كه بر مبنای هوش های چندگانه گاردنر تنظیم شده است لذا پس از تعريف هر نوع هوش و مهارت های مربوط به هر کدام مطابق آنچه در پی می آید، نسبت به استخراج مطالب از كتاب فارسي و نگارش اقدام گردید.

✧ **هوش زبانی- کلامی:** توانایی اندیشیدن در قالب کلمات و استفاده از زبان به طور مؤثر است. مهارت های این هوش شامل روخوانی کردن، نوشتن، گفتن، پاسخ دادن، آموختن، پرسش کردن، واژه سازی، شنیدن، صدا کردن، دانش زبانی، توصیف کردن، صحبت کردن، توضیح دادن، نام بردن، حفظ کردن، نام نویسی، تکرار دسته جمعی، بازگویی، گوش دادن به سخنرانی، یادداشت برداری، بازی با کلمات، سخنرانی کردن، بحث و گفتگو، مناظره، قرائت کتاب، قصه گویی و پژوهش می باشد.

✧ **هوش موسیقایی:** توانایی خلق، درک و ارج گذاری موسیقی به هوش موسیقایی برمی گردد. مهارت های آن شامل آواز خواندن، استفاده از ابزار ساخته شده توسط دانش آموزان، نواختن موسیقی زنده و پشت صحنه، آهنگ سازی، به خاطر داشتن ترانه ها و سرودها است.

✧ **هوش منطقی- ریاضی:** در هوش منطقی- ریاضی توانایی استدلال منطقی، به ویژه در ریاضیات و علوم مطرح است. مهارت هایی مثل تقسیم بندی و طبقه بندی اطلاعات، پیش بینی کردن، تفکر منطقی، حل مسئله، استدلال قیاسی و استنتاجی، جمع آوری داده ها، استفاده از بحث منطقی، درک علمی، درک ریاضی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل را شامل می گردد.

✧ **هوش تصویری- فضایی:** هوش تصویری- فضایی توانایی تشخیص جزئیات امور و تجسم و تغییر اشیاء دیداری به طور ذهنی و توانایی تفکر سه بعدی است. مهارت های این هوش شامل حساسیت به رنگ، فضا، شکل، خط و فاصله، استفاده از نمودار و جدول، استفاده از فعالیت های بصری، استفاده از ویدئو، فیلم و اسلاید، استفاده از هنر، استفاده از عکس و نقشه، نقاشی کردن، نشان دادن تصاویر و فیلم، طرح کشیدن و رنگ کردن نیز جزء مهارت های این نوع هوش می باشند.

✧ **هوش بدنی- جنبشی:** هوش بدنی- جنبشی توانایی استفاده ماهرانه از حرکات بدنی و کار کردن با اشیاء است. دربرگیرنده توانایی استفاده از تمام یا قسمتی از بدن برای حل مسائل و استفاده از توانایی های ذهنی برای هماهنگ کردن حرکات بدنی می باشد. مهارت های آن شامل استفاده از فعالیت های مبتنی بر استفاده از دست، تقلید حرکات، استفاده از حرکات خلاق، استفاده از زبان بدن، پختن، جنگیدن، بازی کردن، کار با انگشتان و حرکات موزون می شود. در کل مهارت هایی چون هماهنگی، سرعت، انعطاف پذیری و تعادل در این نوع هوش از اهمیت برخوردارند.

✧ **هوش طبیعت گرایانه:** هوش طبیعت گرایانه را توانایی تشخیص جنبه های مختلف طبیعت تعریف نموده است. مهارت های آن شامل شناخت طبیعت و گردش، شناخت گیاهان و حیوانات و در کل کلیه پدیده های طبیعی، تفاوت قائل شدن بین صفات آنها، نگه داری یا جمع آوری نمونه های خاص آنها می باشد.

✧ **هوش میان فردی:** هوش میان فردی توانایی درک دیگران و ایجاد تعامل مؤثر با آنان است. مهارت های آن شامل فعالیت های دو نفره، آموزش به همکلاسی، شرکت در کارهای گروهی کلاس، حل مسئله به صورت گروهی، کارهای پروژه ای، کارهای تعاونی و مشارکتی، تصحیح شدن توسط همکلاسی یا همکلاسی ها، توانایی درک دیگران، رابطه با دیگران، حساس بودن به احساسات، احوال، انگیزه و رفتار دیگران می باشد.

✧ **هوش درون فردی:** هوش درون فردی توانایی آگاه شدن و شناخت دقیق فرد از احساسات، علائق، تمایلات، ضعف ها، قوت ها، دلمشغولی ها، انگیزه ها و امیال خود و هدایت زندگی اش می باشد. مهارت های این هوش شامل علائق شخصی را بیان کردن، علاقه به فکر کردن، بیان احساسات، انجام تکالیف

و کارها توسط خود شخص، استفاده از تکنیک فراشناختی، انجام پروژه های فردی، مطالعه مستقل، تفکر بی صدا و آرام و انجام فعالیت ها با مؤلفه خودسنجی است.

✧ **هوش وجودی یا هستی گرایانه:** منظور گاردنر از طرح این نوع هوش اذعان به وجود توانایی های اندیشیدن درباره پرسش های بزرگ مربوط به معنای زندگی است (وولفک، 2004 نقل از سیف، 1389) مهارت هایی این نوع هوش شامل ارتباط با خدا، قرآن خواندن، نماز خواندن، حضور در مساجد و اماکن مذهبی، زیارت بارگاه پیامبران و امامان می باشد (مهرمحمدی، 1384؛ سیف، 1389؛ رضوانی و امیری، 1392؛ آمسترانگ، 1994 نقل از رحیمی و فضیلتی، 1395 و سلطانی و همکاران، 1397).

بنابراین، در این پژوهش طبقه ها از پیش تعیین شده است زیرا که طبقات مطابق هوش های چندگانه گاردنر که از پیش تعیین شده اند، می باشند و تحلیل شامل یک طبقه بندی یک سطحی با نه طبقه است.

کلیه فعالیت ها و تمرین های کتاب فارسی که در قالب فعالیت های درک مطلب، گوش کن و بگو، واژه آموزی، دانش زبانی، دانش ادبی، حکایت، بخوان و ببینیش، درک و دریافت، بخوان و حفظ کن، خوانش و فهم و کارگاه درس پژوهی ها ارائه شده اند و همچنین کلیه فعالیت های املائی و دانش زبانی، کارگاه نویسندگی، درک متن و هنر و سرگرمی های کتاب نگارش به عنوان واحد ثبت منظور شده و مورد شمارش قرار گرفت و واحد زمینه در هر دو کتاب "فصل" انتخاب گردیده تا امکان استخراج انواع هوش به تفکیک فصول فراهم گردد و معلمان این پایه تحصیلی با توجه به یافته های پژوهش در جهت رفع نواقص و جبران کاستی های کتاب متناسب با اشکالات هر فصل تدابیر لازم را به عمل آورند.

پس از تعیین چگونگی طبقه بندی و واحد محتوا (واحد ثبت و واحد زمینه)، به کدگذاری کتب به تفکیک فصول پرداخته شد. از تکنیک اجرای مجدد برای محاسبه پایایی (محاسبه ضریب قابلیت اعتماد) استفاده گردید. بدین ترتیب که 10 درصد کل واحدهای کدگذاری شده به طور تصادفی انتخاب و مجدداً کدگذاری گردید و تعداد توافق های بین دو مورد را بر مجموع کل واحدهای کدگذاری شده، تقسیم نموده و توافق درصدی آن بدست آمد که 83/33 درصد برآورد گردید. این میزان توافق قابلیت اعتماد را برای ادامه پژوهش ایجاد نمود چرا که توافق درصدی برای تحلیل محتوا باید از 70 درصد بیشتر باشد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آن هم صرفاً از فراوانی و درصدگیری از فراوانی مقوله ها، برای پاسخگویی به سؤال پژوهش استفاده شده است.

یافته های پژوهش

در ابتدای پژوهش وضعیت کلی کتاب فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه محتوای کتب تحلیل شد و فراوانی و درصد هوش ها به تفکیک فصول محاسبه گردید.

فارسی ششم در قالب دو کتاب فارسی و نگارش شکل گرفته است. در کتاب "فارسی" به مهارت های شفاهی، ادراکی یا دریافتی زبان و در کتاب "نگارش" به مهارت های نگارش و کتبی زبان، پرداخته شده است. کتاب فارسی پایه ششم ابتدایی شامل 6 فصل و 17 درس است که دو درس آن به صورت آزاد در نظر گرفته شده است تا معلمان و دانش آموزان با توجه به ادبیات بومی منطقه خود، به طراحی آن همت گمارند. کتاب با یک تحمیدیه آغاز شده است و فصل های آن به ترتیب شامل (1) فصل آفرینش با دو درس معرفت آفریدگار و پنجره های شناخت، (2) فصل دانایی و هوشیاری با سه درس هوشیاری، داستان من و شما و هفت خان، (3) فصل ایران من با دروس ای وطن، درس آزاد و دریا قلی، (4) فصل نام آوران با سه درس رنج هایی کشیده ام که مهترس، عطار و جلال الدین، و شهدا خورشیدند، (5) فصل راه زندگی با سه درس دوستی و مشاوری، درس آزاد و راز زندگی و (6) فصل علم و عمل با سه درس میوه هنر، آداب مطالعه و ستاره روشن

و در نهایت کتاب با یک نیایش به پایان می‌رسد. در کل، کتاب فارسی در 128 صفحه و کتاب نگارش در 96 صفحه تدوین شده است. هر دو کتاب به موازات هم در ساعات اختصاص یافته به درس فارسی در کلاس کار می‌شوند. بدین ترتیب که در کتاب فارسی صرفاً به مهارت های خوانداری و شفاهی و در کتاب نگارش به مهارت های نوشتاری و کتبی پرداخته شده است لذا تحلیل کتاب فارسی به تنهایی در واقع تحلیل بخشی از آنچه که در ساعت اختصاص یافته به درس فارسی انجام می‌شود، می‌باشد و بررسی و تحلیل بخشی دیگر که همان کتاب نگارش می‌باشد، نادیده گرفته شده است که در این پژوهش به تحلیل هر دو کتاب پرداخته شده است. در هر فصل کتاب فارسی یک حکایت، یک بخوان و حفظ کن و یک بخوان و بیندیش به منظور تقویت مهارت خواندن و درک مطلب لحاظ شده است. تلفیق محتوای حکایت با ضرب المثل های متنوع همواره مدنظر بوده است. سه فعالیت گوش کن و بگو که اصلی ترین هدف آن پرورش و تقویت سواد شنیداری دانش آموزان است، نیز در کتاب فارسی در نظر گرفته شده است. در پایان بخوان و حفظ کن ها، بخوان و بیندیش ها و گوش کن و بگوها سوالاتی تحت عنوان خوانش و فهم، درک و دریافت و پرسش به منظور تقویت مهارت دانش آموزان در درک و فهم اشعار و متن های نوشتاری و شنیداری آمده است. فعالیت های درک مطلب، پرسش هایی است که به منظور درک متن درس ها در کلیه دروس منظور گردیده است. فعالیت های کارگاه درس پژوهی، دانش زبانی و دانش ادبی به منظور آشنایی دانش آموزان با دستور زبان و ادبیات فارسی، و فعالیت های واژه آموزی با هدف گسترش و تقویت دامنه لغات پایه ای دانش آموزان و آشنایی با شیوه های واژه سازی در زبان فارسی معیار، سازماندهی شده است. ساختار و محتوای کتاب نگارش شامل املاء و واژه آموزی، املاء و دانش زبانی، درک متن، نگارش و کارگاه نویسندگی است. فعالیت های این کتاب در کل با هدف پرورش توانایی و آفرینش نوشتاری می‌باشد. فعالیت های "املا و دانش زبانی و املا و واژه آموزی" با هدف سنجش درست نویسی و آموزه های زبانی طراحی شده اند. فعالیت های کارگاه نویسندگی با هدف تقویت نگارش خلاق، هنر و سرگرمی با هدف یادگیری و مرور آموخته ها و در نهایت فعالیت های درک متن با هدف تقویت مهارت درک مطلب، در کتاب نگارش منظور شده اند.

به منظور توصیف داده ها، فراوانی و درصد هر یک از هوش های نه گانه استخراج گردید که میزان توجه به هر کدام از آنها در کتاب فارسی و نگارش به تفکیک فصول عبارتند از:

در هر کدام از کتاب های فارسی و نگارش به هوش زبانی – کلامی با فراوانی 17 در دو درس فصل اول بیشترین میزان توجه به عمل آمده است. در کتاب فارسی به هوش درون فردی با فراوانی 8 و به بقیه هوش ها مثل منطقی- ریاضی، هستی گرایانه، موسیقایی و میان فردی به ترتیب با فراوانی 4، 3، 1 و پرداخته شده و به هوش های تصویری- فضایی، بدنی- جنبشی و طبیعت گرایانه اصلاً توجهی نشده است. مطابق آنچه در جدول شماره (1) آمده است به هوش منطقی- ریاضی با 6 فراوانی و هوش درون فردی و طبیعت گرایانه هر کدام با 3 فراوانی، هستی گرایانه با 2 فراوانی و هوش های تصویری- فضایی و بدنی- جنبشی هر کدام با 1 فراوانی در فصل اول کتاب نگارش پرداخته شده است اما هوش های موسیقایی و میان فردی مورد غفلت قرار گرفته اند. در مجموع، در این فصل هر دو کتاب بیشترین میزان توجه به هوش زبانی- کلامی با 34 مورد اشاره و هوش درون فردی با 11 مورد و هوش منطقی- ریاضی با 10 مورد بوده است. هوش هستی گرایانه با 5 مورد، طبیعت گرا و موسیقایی هر کدام با 3 مورد و هوش های تصویری- فضایی، بدنی- جنبشی و میان فردی هر کدام با 1 مورد از کمترین میزان فراوانی برخوردارند.

جدول (1): توزیع فراوانی و درصد هوش های چندگانه در فصل اول فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی

کتاب	زبان کلامی	موسیقی	فضایی	بدنی	تجربی	تجربی	تجربی	تجربی	تجربی	تجربی	تجربی
فارسی	17	4	0	0	3	1	8	0	3	36	17/47
نگارش	17	6	1	1	0	0	3	3	2	33	15/56
فرهنگ	34	10	1	1	3	1	1	1	5	69	-
جمع	49/27	14/49	1/45	1/45	4/35	1/45	15/94	4/35	7/25	-	-

مطابق آنچه در جدول شماره (2) آمده است در سه درس فصل دوم کتاب فارسی پایه ششم هوش زبانی- کلامی با 11 مورد، هوش منطقی- ریاضی با 9 مورد و هوش درون فردی با 8 مورد از بیشترین میزان فراوانی برخوردارند. به هر کدام از هوش های بدنی- جنبشی، موسیقایی و میان فردی فقط 1 بار و به هوش های تصویری- فضایی، طبیعت گرایانه و هستی گرایانه اصلاً توجه نشده است. در فصل دوم کتاب نگارش به ترتیب 24 بار به هوش زبانی- کلامی، 7 بار به هوش درون فردی، 5 بار به هوش منطقی- ریاضی، 2 بار به هوش تصویری- فضایی اشاره شده است. به هوش های بدنی- جنبشی، میان فردی و طبیعت گرانه هر کدام فقط 1 بار و به هوش های موسیقایی و هستی گرایانه اصلاً اشاره نشده است. در مجموع در هر دو کتاب میزان توجه به هوش زبانی- کلامی 35 بار با بیشترین میزان فراوانی، به هوش درون فردی 15 بار و به هوش منطقی- ریاضی 14 بار در دروس فصل دوم پرداخته شده است. به هوش های تصویری- فضایی، بدنی- جنبشی و میان فردی هر کدام 2 بار و به هوش های موسیقایی و طبیعت گرایانه هر کدام تنها 1 بار اشاره شده و اصلاً به هوش هستی گرایانه پرداخته نشده است.

جدول (2): توزیع فراوانی و درصد هوش های چندگانه فصل دوم فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی

کتاب	فارسی
زبانی-کلامی	11
منطقی- ریاضی	9
تصویری- فضایی	0
بدنی- چشمی	1
موسیقیایی	1
مبین فردی	1
درون فردی	8
طبیعت گرایانه	0
هستی گرایانه	0
فرا انی	31
ترجمه اثر علی احمدیان شماره هفتم خرداد	15/03

نگارش	24	5	2	1	0	1	7	1	0	41	19/33
فرهنگ	35	14	2	2	1	2	15	1	0	72	-
جمع	48/6	19/4	2/8	2/8	1/4	2/8	20/8	1/4	0	-	-

مطابق داده های جدول شماره (3) هوش زبانی- کلامی با فراوانی 15 و هوش منطقی- ریاضی با فراوانی 8 بیشترین مورد اشاره را در فصل سوم کتاب فارسی پایه ششم دارند. به هوش درون فردی 3 بار و به هر کدام از هوش های موسیقایی و میان فردی 2 بار و به هوش هستی گرایانه تنها 1 بار در این فصل اشاره شده است. در دروس این فصل به هوش تصویری- فضایی، بدنی- جنبشی و طبیعت گرایانه هیچ اشاره ای نگردیده است. در فصل سوم کتاب نگارش هوش زبانی- کلامی با 17 فراوانی و پس از آن هوش منطقی- ریاضی با 7 فراوانی از بیشترین میزان توجه برخوردارند. در این فصل 3 بار به هوش درون فردی، 2 بار به هوش تصویری- فضایی و 1 بار به هوش بدنی- جنبشی اشاره شده است. هوش های موسیقایی، میان فردی، طبیعت گرایانه و هستی گرایانه به طور کلی مورد غفلت قرار گرفته اند. در مجموع در فصل سوم هر دو کتاب پایه ششم، 32 بار به هوش زبانی- کلامی با بیشترین میزان فراوانی، 15 بار به هوش منطقی- ریاضی، 6 بار به هوش درون فردی، به هر کدام از هوش های تصویری- فضایی، موسیقایی و میان فردی 2 بار و به هوش های بدنی- جنبشی و هستی گرایانه هر کدام فقط 1 بار اشاره شده و به هوش طبیعت گرایانه هیچ توجهی نشده است.

جدول (3): توزیع فراوانی و درصد هوش های چندگانه فصل سوم فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی

کتاب	کلامی-زبانی	منطقی-ریاضی	تصویری-فضایی	جنبشی-بدنی	موسیقایی	میان فردی	درون فردی	طبیعت گرایانه	هستی گرایانه	فراوانی	درصد (نسبت به فراوانی)
فارسی	15	8	0	0	2	2	3	0	1	31	15/03
نگارش	17	7	2	1	0	0	3	0	0	30	14/14
جمع	32	15	2	1	2	2	6	0	1	61	-

1/6
0
9/84
3/3
3/3
1/6
3/3
24/6
52/46
1/6

در سه درس فصل چهارم کتاب فارسی، هوش زبانی- کلامی با 17 مورد و هوش منطقی- ریاضی با 10 مورد از بیشترین میزان فراوانی در این فصل برخوردارند. 3 بار به هوش میان فردی، 2 بار به هوش موسیقایی و به هر کدام از هوش های تصویری- فضایی، بدنی- جنبشی و درون فردی فقط 1 بار اشاره گردیده است. به هوش طبیعت گرایانه و هستی گرایانه هیچ توجهی نشده است. همچنین در این فصل کتاب نگارش پایه ششم، 19 بار به هوش زبانی- کلامی و به هر کدام از هوش های منطقی- ریاضی و درون فردی 7 بار اشاره شده است. 3 بار به هوش بدنی- جنبشی، به هر کدام از هوش های تصویری- فضایی و میان فردی 2 بار و 1 بار به هوش طبیعت گرایانه اشاره شده اما به هوش های موسیقایی و هستی گرایانه هیچ توجهی نگردیده است. در مجموع در فصل چهارم این دو کتاب پایه ششم هوش زبانی- کلامی با 36 فراوانی و پس از آن هوش منطقی- ریاضی با 17 فراوانی از بیشترین میزان توجه برخوردارند. میزان توجه به هوش های دیگر به ترتیب عبارتند از هوش درون فردی با 8 فراوانی، هوش میان فردی با 5 فراوانی، بدنی- جنبشی با 4 فراوانی، تصویری- فضایی با 3 فراوانی، موسیقایی با 2 فراوانی و طبیعت گرایانه با 1 فراوانی و هوش هستی گرایانه کلاً مورد بی توجهی قرار گرفته است. داده های این فصل در جدول شماره (4) آمده است.

جدول (4): توزیع فراوانی و درصد هوش های چندگانه فصل چهارم فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی

کتاب	فارسی	انگلیسی	فرهنگی	
			فرهنگی	موضوعی
زبان، مکان، زمان	17	19	36	47/37
منطقه - ریاضی	10	7	17	22/37
تصویری - فضایی	1	2	3	3/95
چشمی	1	3	4	5/26
موسیقیایی	2	0	2	2/63
میان فردی	3	2	5	6/58
درون فردی	1	7	8	10/53
طبیعت گراییانه	0	1	1	1/31
هنر گراییانه	0	0	0	0
فراوانی	35	41	76	,
ترجمه از هر دو زبان شماره های مختلف	16/98	19/33	-	,

مطابق آنچه که در جدول شماره (5) آمده است. از 37 مورد اشاره شده به هوش های نه گانه گاردنر در فصل پنجم کتاب فارسی پایه ششم، 16 بار به هوش منطقی- ریاضی و 12 بار به هوش زبانی- کلامی اشاره شده که با بیشترین میزان فراوانی را در این فصل دارند. همچنین 3 بار به هوش درون فردی، به هوش های تصویری- فضایی و موسیقایی هر کدام 2 بار و به هوش های میان فردی و هستی گرایانه هر کدام تنها 1 بار اشاره شده است. به هوش های بدنی- جنبشی و طبیعت گرایانه هیچ توجهی نگردیده است. در این فصل کتاب نگارش، 15 بار به هوش زبانی- کلامی با بیشترین فراوانی، به هوش های منطقی- ریاضی و تصویری- فضایی هر کدام 3 بار، 2 بار به هوش درون فردی، به هر کدام از هوش های بدنی- جنبشی و طبیعت گرایانه هر کدام فقط 1 بار اشاره شده است. در این فصل از کتاب نگارش به هیچ کدام از هوش های موسیقایی، میان فردی و هستی گرایانه پرداخته نشده است. در فصل پنجم هر دو کتاب فارسی و نگارش بیشترین فراوانی مربوط به هوش زبانی- کلامی با 27 فراوانی و هوش منطقی- ریاضی با 19 فراوانی می باشد و پس از آن به هوش های تصویری- فضایی و درون فردی هر کدام 5 بار، به هوش موسیقایی 2 بار و به هوش های بدنی- جنبشی، میان فردی، طبیعت گرایانه و هستی گرایانه هر کدام فقط 1 بار اشاره شده است.

جدول (5): توزیع فراوانی و درصد هوش های چندگانه فصل پنجم فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی

کتاب	کلامی-زبان	منطقی-ریاضی	تصویری-فضایی	جنبشی-بدنی	موسیقایی	میان فردی	درون فردی	طبیعت گرایانه	هستی گرایانه	فراوانی	درصد هوش های چندگانه (پایه ششم ابتدایی)
فارسی	12	16	2	0	2	1	3	0	1	37	17/95
نگارش	15	3	3	1	0	0	2	1	0	25	11/78
فراوانی	27	19	5	1	2	1	5	1	1	62	-
درصد	43/55	30/65	8/1	1/6	3/2	1/6	8/1	1/6	1/6	-	-

مطابق داده های مندرج در جدول شماره (6) در سه درس فصل ششم کتاب فارسی پایه ششم هوش زبانی- کلامی با فراوانی 17، هوش منطقی- ریاضی با فراوانی 9 و پس از آن هوش درون فردی با فراوانی 6 بیشترین میزان فراوانی را در این فصل دارند. به هوش موسیقایی 2 بار و به هوش های تصویری- فضایی و بدنی- جنبشی هر کدام صرفاً 1 بار اشاره شده و به هیچ کدام از هوش های میان فردی، طبیعت گرایانه و هستی گرایانه پرداخته نشده است. همچنین در سه درس فصل ششم در کتاب نگارش هوش زبانی- کلامی با فراوانی 25 و هوش درون فردی با فراوانی 9 بیشترین فراوانی را دارند. به هوش های منطقی- ریاضی 5 بار و به هوش تصویری فضایی، بدنی- جنبشی و طبیعت گرایانه هر کدام فقط 1 بار اشاره شده است و اصلاً

به هوش های موسیقایی، میان فردی و هستی گرایانه پرداخته نشده و مورد غفلت واقع شده اند. در فصل ششم این دو کتاب در مجموع 42 بار به هوش زبانی- کلامی اشاره شده که از بیشترین میزان فراوانی در این فصل برخوردار است و پس از آن به هوش های درون فردی با 15 فراوانی و منطقی- ریاضی با 14 فراوانی پرداخته شده است. به هر کدام از هوش های تصویری- فضایی، بدنی- جنبشی و موسیقایی 2 بار و به هوش طبیعت گرایانه تنها 1 بار در فصل ششم این دو کتاب اشاره شده و به هوش های میان فردی و هستی گرایانه هیچ اشاره ای نگردیده است.

جدول (6): توزیع فراوانی و درصد هوش های چندگانه فصل ششم فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی

کتاب	زبانی-کلامی	منطقی-ریاضی	تصویری-فضایی	جنبشی-بدنی	موسیقایی	میان فردی	درون فردی	طبیعت گرایانه	هستی گرایانه	فراوانی	درصد (از کل رده های ششم پایه ششم)
فارسی	17	9	1	1	2	0	6	0	0	36	17/46
نگارش	25	5	1	1	0	0	9	1	0	42	19/8
جمع	42	14	2	2	2	0	15	1	0	78	-
	53/84	17/95	2/56	2/56	2/56	0	19/23	1/3	0	-	-

مطابق آنچه که در جدول شماره (7) آمده است. در کل کتاب فارسی پایه ششم ابتدایی از 206 بار به هوش های نه گانه اشاره شده است که به هوش زبانی- کلامی 89 بار یعنی حدود 43/2 درصد کل موردها، به هوش منطقی- ریاضی 56 بار یعنی 27/2 درصد و پس از آن به هوش درون فردی 29 بار حدود 14/1 درصد کل موردها پرداخته شده است که این سه نوع هوش به ترتیب دارای بیشترین میزان فراوانی می باشند. همچنین در کل این کتاب به هوش موسیقایی 12 بار، به هوش میان فردی 8 بار، به هوش هستی گرایانه 5 بار، به هوش تصویری- فضایی 4 بار و به هوش بدنی- جنبشی 3 بار پرداخته شده و کلاً هوش طبیعت گرایانه مورد غفلت واقع شده است.

در کل کتاب نگارش این پایه تحصیلی 212 بار به کل هوش های نه گانه گاردنر اشاره شده است. 117 مورد از کل 212 مورد، به هوش زبانی- کلامی اشاره دارد که حدود 55/2 درصد کل موردهای شمارش شده است. هوش منطقی- ریاضی با 33 مورد یعنی 15/6 درصد، هوش درون فردی با 31 مورد یعنی 14/6 درصد، هوش تصویری- فضایی با 11 مورد و 5/2 درصد، هوش بدنی- جنبشی با 8 مورد یعنی 3/8 درصد، هوش طبیعت گرایانه با 7 مورد یعنی 3/3 درصد، هوش میان فردی با 3 مورد یعنی 3/9 درصد و هوش

هستی گرایانه با 2 مورد یعنی 0/9 درصد کل موارد اشاره شده به ترتیب هوش های مطرح شده در این کتاب می باشند اما در این کتاب اصلاً به هوش موسیقایی پرداخته نشده است.

در مجموع دو کتاب فارسی و نگارش 418 بار به کل هوش های نه گانه گاردنر پرداخته شده است. بیشترین میزان توجه به هوش زبانی- کلامی با 206 بار اشاره یعنی 49/28 درصد کل موارد شمارش شده، می باشد. 89 مورد یعنی 21/3 درصد به هوش منطقی- ریاضی، 60 بار یعنی 14/35 درصد به هوش درون فردی، 15 مورد یعنی 3/6 درصد به هوش تصویری- فضایی، 12 بار یعنی 2/87 درصد به هوش موسیقایی، 11 بار یعنی 2/63 به هر کدام از هوش های بدنی- جنبشی و میان فردی، و در نهایت 7 بار یعنی 1/67 درصد کل موارد شمارش شده به هر کدام از هوش های طبیعت گرایانه و هستی گرایانه پرداخته شده است.

جدول (7): توزیع فراوانی و درصد هوش های چندگانه دو کتاب فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی

کتاب	زبان-کلامی	منطقی-ریاضی	تصویری-فضایی	جنبشی-بدنی	موسیقایی	درون فردی	طبیعت گرایانه	هستی گرایانه	جمع
فراوانی	89	56	4	3	12	8	29	5	206
درصد	43/2	27/2	1/9	1/5	5/8	3/9	14/1	2/4	100
فراوانی	117	33	11	8	0	3	31	2	212
درصد	55/2	15/6	5/2	3/8	0	1/4	14/6	0/9	100
فراوانی	206	89	15	11	12	11	60	7	418
درصد	49/28	21/3	3/6	2/63	2/87	2/63	14/35	1/67	100

بحث و نتیجه گیری

همانگونه که اشاره شد پژوهش حاضر با هدف "تحلیل محتوای کتاب های فارسی و نگارش پایه ششم دوره ابتدایی براساس مؤلفه های هوش های چندگانه گاردنر" به منظور پاسخگویی به این پرسش است که "میزان توجه کتاب های فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی به مؤلفه های هوش های چندگانه چگونه است؟"،

انجام شده است. داده های مندرج در جداول (1) تا (7) بیانگر آن است که هوش های چندگانه گاردنر در فصول مختلف کتاب های فارسی و نگارش از توزیع مناسبی برخوردار نیستند و به کلیه مؤلفه ها به یک نسبت پرداخته نشده و حتی برخی از آنها در بعضی از دروس و فصول کتب مذکور مغفول واقع شده است. در کتاب فارسی و نگارش حدود نیمی از موارد شمارش شده فقط مربوط به هوش زبانی- کلامی است و این هوش از بیشترین میزان توجه در دو کتاب برخوردار می باشد و هوش غالب در فعالیت های هر دو کتاب است. پس از آن هوش منطقی- ریاضی و هوش درون فردی می باشند به گونه ای که این سه هوش با هم حدود 85 درصد کل هوش های شمارش شده را در دو کتاب شامل می شوند. این در حالی است که هوش های تصویری- فضایی، موسیقایی، بدنی- جنبشی، میان فردی، هوش طبیعت گرایانه و هستی گرایانه با هم حدود 15 درصد کل هوش های شمارش شده شامل می گردند و این نوع هوش ها از کمترین میزان توجه برخوردارند و البته هوش طبیعت گرایانه در کتاب فارسی و هوش موسیقایی در کتاب نگارش به طور کلی نادیده گرفته شده و مورد غفلت واقع شده اند. بدین ترتیب، تناسب منطقی بین هوش های مطرح شده گاردنر، در این دو کتاب که به موازات هم در ساعت فارسی پایه ششم تدریس می شوند، وجود ندارد.

یافته های این پژوهش از لحاظ تأکید مواد آموزشی بر مؤلفه های هوش های چندگانه با یافته های پژوهش های قبلی از جمله رزمجو و همکاران (2010)، بابایی و عبدی (1392)، رضوانی و امیری (1392)، شریفی، فرامرزی و آقابابایی (1393)، سلطانی و همکاران (1397) و غلامیان و همکاران (1397) که به تحلیل کتب درسی دوره های مختلف براساس توجه به مؤلفه های هوش های چندگانه پرداخته اند، همخوانی دارد چرا که آنها نیز بیان داشته اند که به کلیه مؤلفه ها به یک نسبت پرداخته نشده و برخی از آنها مورد غفلت واقع شده اند. در کل مروری بر پژوهش های انجام شده نشان می دهد که در کتب درسی دوره های مختلف به هوش های مختلف توجه چندانی نشده است و بیشتر آنها بر هوش زبانی- کلامی تأکید دارند لذا این کتب نمی توانند در پرورش انواع هوش در یادگیرندگان موفق باشند.

در یک نگاه کلی می توان گفت که محتوای کتاب فارسی و نگارش پایه ششم ابتدایی در زمینه توجه به هوش های چندگانه از الگوی نظام دار و مشخصی پیروی نمی کند. در این کتب توجه به برخی از استعداد های فراگیران به طور کلی مغفول مانده است. جامعه حال و آینده به افرادی نیاز دارد که بتوانند مسائل را واریسی و حل کنند. وقتی هوش های مختلف فرد رشد می کند توانایی های مرتبط با هر کدام از این هوش ها نیز بیشتر می شود و افراد بهتر قادر به حل مسائل و مشکلات خواهند شد. از آنجا که آموزش و پرورش به دنبال رشد همه جانبه انسان است. بنابراین، به مسئولان و مؤلفین تدوین کتب درسی فارسی پیشنهاد می گردد در ویرایش های بعدی اشکالات کتب فوق را از لحاظ توجه متوازن به هوش های چندگانه مرتفع سازند. توجه متوازن به هوش های چندگانه با توجه به تفاوت فردی دانش آموزان و احترام به توانایی ها و استعداد های کلیه دانش آموزان گامی مهم در جهت شکوفایی آنها خواهد بود. در نظام آموزشی ایران بیشتر معلمان از کاربرد نظریه هوش های چندگانه آگاهی چندانی ندارند. از طریق نظریه هوش چندگانه، معلمان می توانند استقلال و مسئولیت را در دانش آموزان برانگیزانند و آنان توانمند سازند. معلمان می توانند با آگاه شدن از توانایی دانش آموزان، آنها را در فرآیند آموزش درگیر کنند. بنابراین، برگزاری دوره های ضمن خدمت حضوری یا مجازی و تشویق معلمان به مطالعه در خصوص چگونگی کاربرد این نظریه در طراحی درس، پروژهای دانش آموزی، سنجش و ارزیابی، آموزش در قالب گروه های کوچک و برنامه درسی بین رشته ای، تأثیر بسزایی در جهت رفع نواقص و کاستی های کتب، ضمن تدریس آنها در کلاس درس دارد تا گام های مفید و مؤثرتری در زمینه رفع اشکالات کتاب بردارند. ارائه دانش کافی به معلمان و تغییر نگرش آنها این فرصت را فراهم می آورد تا نیازها، توانایی ها و استعداد های دانش آموزان شان را مدنظر قرار داده و با به کار بردن روش های خلاقانه آموزش همه جانبه و کاملی داشته باشند. تردیدی نیست که انجام پژوهش های بیشتر در این زمینه می تواند یافته های عمیق تری را در اختیار مؤلفین و دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت قرار دهد و در جهت مطلوب کردن کتب درسی یاریگر مؤلفین باشد. امید داریم یافته های این پژوهش نیز در جهت آگاهی بخشی بیشتر به

معلمانی که این کتب را تدریس می کنند نقش مؤثری را ایفا نماید تا بدین ترتیب به تربیت و پرورش انسان های سالم تر کمک کرده باشیم.

منابع

- اسدیان، سیروس. هوش های چندگانه و کاربردهای آن در مدارس، *سایت تحلیلی خبری عصر ایران*، اردیبهشت 1397.
- امیرتیموری، محمد حسن، *نظریه هوش های چندگانه و برنامه درسی، مجله تعلیم و تربیت*، شماره ۷۶، زمستان ۱۳۸۲، ۶۶-۳۳.
- امینی، محمد، تمنایی فر، محمدرضا، امینی، سمیه، *نظریه هوش چندگانه و دلالت های آن در طراحی تجارب و فرصت های یادگیری، فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی*، سال پنجم، شماره 4، زمستان 1388، 91-107.
- اهرمی، راضیه، فرامرزی، سالار، شوشتری، مژگان، عابدی، احمد، *رابطه نیمرخ دانش آموزان در هوش آزمای وکسلر کودکان فرم (WISC_IN) ۴ و هوش های چندگانه (MI) مبتنی بر نظریه گاردنر، فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، سال سوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۱، 44-63.
- بابایی، بهاره، عبدی، علی، *تحلیل محتوای کتاب های درسی تعلیمات اجتماعی، علوم تجربی، و تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی براساس نظریه هوش های چندگانه گاردنر، همایش ملی تغییر در برنامه درسی دوره های آموزش و پرورش*، اسفند 1392.
- رحیمی، سعید، فضیلتی، منصوره، *کاربست نظریه هوش های چندگانه گاردنر در آموزش و یادگیری، فصلنامه رویش روان شناسی*، سال پنجم، شماره 3، پاییز 1395، 5-30.
- رضوانی، رضا، امیری، طیب، *تحلیل محتوای کتب آموزش زبان انگلیسی منتخب دانشگاهی از نظر میزان توجه به هوش های چندگانه، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال چهارم، شماره 4، زمستان 1392، 189-200.
- سلطانی، اکبر، ادیب، یوسف، محمودی، فیروز، واحدی، شهرام، *تحلیل محتوای کتاب های درسی فارسی دوره ی ابتدایی براساس مؤلفه های هوش چندگانه: روش آنتروپی شانون، نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی*، سال یازدهم، شماره 43، پاییز 1397، 157-183.
- سیف، علی اکبر، 1389، *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*، ویراست 6، تهران، نشر دوران.
- شریفی، حسن پاشا، 1382، *نظریه و کاربرد آزمونهای هوش و شخصیت*، تهران: انتشارات سخن.
- شریفی، حسن پاشا، *مطالعه مقدماتی نظریه هوش چندگانه گاردنر، در زمینه موضوع های درس و سازگاری دانش آموزان، فصلنامه نوآوری های آموزشی*، سال چهارم، شماره 11، بهار 1384، 1-25.
- شریفی، ویدا، فرامرزی، سالار، آقابابایی، سارا، *بررسی مؤلفه های هوش چندگانه در کتاب درسی دوره پیش حرفه ای دانش آموزان کم توان ذهنی، فصلنامه افراد استثنایی*، سال سوم، شماره 14، تابستان 1393، 1-24.
- غلامیان، فریده، سهیلی، مهلا، دوستی، فرزانه، عسکری، نسترن، *تحلیل محتوای کتب ریاضی، فارسی و علوم تجربی دوره ابتدایی بر مبنای هوش های چندگانه گاردنر، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، مشاوره، تعلیم و تربیت*، آبان 1397.
- محمدی مهر، غلامرضا، 1387، *روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)*، چاپ اول، تهران، گنجینه علوم انسانی-دانش نگار.
- مهرمحمدی، محمود، *نظریه ی هوش چندگانه و دلالت های آن برای برنامه درسی و آموزش، فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره 88، 1384، 7-31.

- مهرمحمدی، محمود، 1392، *جستارهای نظریات در تربیت و تعلیم*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- نوریان، محمد، تحلیل محتوای کتاب های فارسی سال اول دبستان در ایران، *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، سال سوم، شماره 12، 1386، 357-366.
- نوریان، محمد، 1396، *راهنمای عملی تحلیل محتوای کمی و کیفی کتاب های درسی ابتدایی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات شورا.

- Armstrong, T. (2007). The curriculum superhigh way. *Journal of Educational Leadership*, 64(8), 16_20.

- Binet, A. and simon, T. (1905). The development of intelligence in children. San Francisco: freeman.

- Dickinson, D. (2001). Learning through many kinds of intelligence. www.newhorizons.Org.

- Feist, G. & Rosenberg, E (2009). *Psychology: Making connections*. McGraw Hill, higher education.

- Gardner, Howard. (1983). *Frames of mind: the theory of multiple intelligence*. New York: basic books.

- Lima B. M.R., (2003). Multiple intelligences Theory in English language teaching, Analysis of current text books, materials, and teachers perceptions. M. A. Thesis. Ohio.

- Mayer, J. D. , Panter, A. T. ,& Caruso, D. R. (2017). A closer look at the Test of personal Intelligence (TOPI). *Personality and Individual Differences*, Journal homepage: www.elsevier.com/locate/paid, 301_311.

- Roxana, S. C. (2014). The Theory of multiple Intelligences _ Applications in Mentoring Beginning Teachers. 5(th) world conference on Educational Sciences.

- Terman, L. M. and Merrill, M.A. (1973). *Masuring intelligence*. Boston: Houghton Mifflin.